

تحولات نوید بخشی جنبش مارکسیستی ایران را فرا گرفته و افق های گسترده و تابناکی در برابر آن گشوده است. "بیانیه" اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران " بمثابة نتیجه و انعکاس این تحول و پیروزی بزرگ مارکسیسم لنینیسم در صحنه پیکار انقلابی میهن ما ، پیام آور این افق روشن است. درگرونی عمیق در جهان بینی ، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق رویداد تاریخی مهمی است که با تاثیرات تعیین کننده خود بر مجموع جنبش کمونیستی و انقلابی ایران ، راه های اعتلا و تکامل آتی آنرا روشنی می بخشد . پیروزی سازمان مجاهدین خلق ایران در یافتن ریشه های اساسی نارسائی ها ، در شناخت منشأ ایدئولوژیک ضعف ها ، در طرد معیارهای کهنه و در درک ضرورتها نوین تاریخی و سیاسی که بر اساس تجربه و پراتیک ده بیال مبارزه انقلابی ، چهار سال مبارزه مسلحانه و دو سال مبارزه پیروزمند ایدئولوژیک و در دشوارترین شرایط داخلی و خارجی و در جریان پرشورترین پیکارهای انقلابی بدست آمده . است ، نه تنها پیروزی سازمان و رزمندگان آگاه ، مصمم و وفادار آن ، بلکه همچنین يك پیروزی بزرگ مارکسیسم لنینیسم ، يك پیروزی خلق زحمتکش ما و ضربه سهمگینی است بر پیکر رژیم مزدور شاه . این پیروزی بزرگ که قلوب همه مارکسیست - لنینیست های واقعی و انقلابیون راستین را گرمی می بخشد ، نیروی محرکه قدرتمندی است در تسریع حرکت و تحول آتی و انسداد ناپذیر جنبش انقلابی خلق ما و ایجاد امکانات عملی و تضمین های واقعی پیشروی ظفرمند آن .

رخداد تاریخی پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی لنینیستی میهن ما در شرائطی بوقوع می پیوندد که يك کارزار وسیع جعل و تحریف و سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک ، یورش ~~به~~ ^{بر} ~~سازمان~~ ^{سازمان} پلیسی و سرکوب فاشیستی رژیم شاه را همراهی میکند . در سالهای اخیر ، بموازات رشد جنبش انقلابی و نفوذ ~~روزافزون~~ ^{روزافزون} اندیشه های مترقی و پیدایش و شکل گیری گروه ها و تشکل های متعدد مارکسیستی و انقلابی در ایران ، امپریالیسم جهانی ، ارتجاع بومی و بورژوازی وابسته ایران به نمایندگی دار و دسته مزدور محمد رضا شاه که تجربه دیرینه تبه کاریهای ضد انقلابی و برنامه ها و تدابیر گوناگون ضد کمونیستی نه تنها در ایران بلکه همچنین در سایر نقاط جهان را توشه دارند ، علاوه بر اعمال شدیدترین ترور فاشیستی ، از طریق سازمان دادن يك کارزار پرحاشیه ضد کمونیستی و گسترش بیم سابقه سرکوب سیاسی - ایدئولوژیک نیز به مقابله با اندیشه های انقلابی رشد یافته ، به مقابله با مارکسیسم لنینیسم دست زده و با استفاده از کلیه جر - یانات ضد مارکسیستی ، از ترسکیسم و انحرافات گوناگون آنتی کمونیستی مشابه تا "مارکسیسم" جیره خواران تلویزیونی ، به این بسیج ضد انقلابی در زمینه ایدئولوژیک ، ابعاد گسترده ای بخشید مالد . و بالاخره این تحول در شرائطی انجام میگیرد که تشبثات و تبلیغات ضد انقلابی رویونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی و عوامل ایرانی آن ، دار و دسته خائن "گمیت" مرکزی حزب توده ، علیه مارکسیسم لنینیسم ، اندیشه مائوتسه دون اوج افسارگسیختگی یافته و به نحو دیوانه واری دامن زده میشود . پیوستن سازمان مجاهدین خلق به جنبش مارکسیستی لنینیستی میهن ما در چنین شرائطی به این رخداد تاریخی ویژگی و برجستگی خاصی می بخشد و درعین آشکار ساختن ناکامی تلاشهای گوناگون و تعرضات ایدئولوژیک نیروهای ارتجاعی ، نشانه عمق این تحول بزرگ ، نشانه دست یابی آگاهانه و مستحکم سازمان مجاهدین خلق ایران به مارکسیسم لنینیسم بمثابة یگانه تئوری صحیح انقلابی و تنها وسیله رهایی قطعی پرولتاریا و زحمتکشان است.

تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران به غلبه بر پندارگرائیهای ایدئالیستی ، به درگرونی مبانی فلسفی و اعتقادات ایدئولوژیک آن و قبول احکام عام مارکسیسم لنینیسم خلاصه نمیکرد و دامنه آن تا زمینه های مختلف سیاست ، برنامه و مشی سازمان گسترش می یابد . سمتگیری صحیح در پاره های مسائل مهم تئوری و پراتیک جنبش مارکسیستی و انقلابی ایران ، رسیدن به يك سلسله استنتاجات مهم عملی و اتخاذ مواضع عمیق و روشن در قبال رویونیسم جهانی بمثابة يك جریان عمده ضد انقلاب جلوه های دیگر این تحول و پیروزیست. درگرونی در جهان بینی ، تفکر و سیاست سازمان مجاهدین خلق به سبب عمق و ابعاد بزرگ آن و از آنجا که به يك پیروزی مارکسیسم لنینیسم در یکی از میدانهای مهم مبارزه ایدئو- لوزیک محدود نمیکرد ، بلکه در این حقیقت تجلی می یابد که این پیروزی در آتش پیکارهای انقلابی و در رسته آزمایش و پراتیک بدست آمده و صیقل یافته است ، لاجرم در کنار ایجاد تعبیرات عمیق در تناسب فوای موجود در جنبش انقلابی میهن ما و در صحنه مبارزه طبقاتی در ایران ، بر سمتگیری ، پراتیک و مشی جنبش عمیقاً تاثیر می بخشد و بطور موثری به ایجاد درکی درست از مطالبات و نیازهای واقعی جنبش یاری میرساند .

سمتگیری صحیح سازمان مجاهدین خلق ایران در جهت پیوند سیاسی - تشکیلاتی با زحمات و جنبش خود بخود طبقه کارگر، درك روشن ضرورت این سمتگیری، تلاش در شناخت و کشف قانونمندی‌های آن، در یافتن راه‌های عملی مشخص، در سازماندهی و فراهم آوردن وسائل موثر انجام این وظیفه، مبرم و تخطی ناپذیر، یکی از تظاهرات مهم این تحول و از نتایج درخشانی است که سازمان مجاهدین خلق بر اساس ارزیابی مبارزات سالهای اخیر، بویژه مبارزات مسلحانه سازمانهای انقلابی و بانگ تجارب، دستاوردها و کمبودهای اساسی این مبارزات بدان نائل آمده است. آمادگی و انعطاف انقلابی سازمان در انتقاد اصولی از ضعف‌ها، نارسائیه‌ها و خطاها، در پذیرش صادقانه ضرورتها، مبارزه، در گردن نهادن به "حقایق ناشی از درك عمیق تر منافع توده‌ها و لزوم سمتگیری مشخص به سمت زحمتکش - ترین اقشار و طبقات اجتماع" (نقل از "بیانیه...") که نمونه برجسته حرکت صمیمانه از منافع والای خلق و قدرت و کیفیت سازمان در تحلیل درست واقعیت‌ها و آموزش خلاق از تجربه و پراتیک انقلابیست، امکان داد که سازمان بتواند بجای بی‌اعتنائی به واقعیت‌ها و تجارب مبارزه، بجای زنجیرشدن در حصار پراتیک محدود و اندیشه‌های التقاطی و نارسا، با خلاقیت و روشن بینی راه آینده خویش را روشن سازد و بموازات رشد مبارزه و تکامل سازمان گامهای بزرگی در راه غلبه بر نواقصی که بطور عمده محصول ضعف جنبش نوین انقلابی، نارسائیهای تئوریک و تجربه محدود و عملی آن وانعکاس مراحل کودکی سازمان، شرائط شکل‌گیری، ترکیب و کاراکتر طبقاتی عناصر تشکیل دهنده آن بود بردارد و بعد درك وسیعتری از وظائف جنبش و سازمان از مبارزه مسلحانه و از پیوند با زحمتکش نائل آید: "استنباطات امروزه از مبارزه مسلحانه مسلما نمیتواند و نباید درست بر همان استنباطات محدود چهار یا پنج سال پیش، وقتی که اولین برخوردهای "مسلحانه بین نیروهای پیشناز خلق و دشمن بوجود آمد، منطبق باشد. این استنباطات اکنون باید بسیار پیشرفته تر و پیچیده تر و ناظر بر ابعاد جدیدتری از پیشرفت همه جانبه کار باشد. این موضوع مصداق بارزی در سازمان ما دارد. ما "در طی این دوران ابعاد جدیدتر و معنای بسیار وسیعتری از مبارزه مسلحانه را درك کردیم که برخورد با دشمن تنها یک "بعد آنرا نشان میداد." (نقل از "بیانیه... - صفحه ۲۸). این حرکت رشد یابنده، استنباطات پیشرفته و درك وسیع از مبارزه مسلحانه که بر تجربه و شواهد عینی، بر جمع بندی از دستاوردهای جنبش نوین انقلابی ایران مبتنی است سازمان را بسوی استنتاج واقع بینانه از گذشته و شناخت درست وظائف کنونی رهنمون میسازد:

"بدین ترتیب ملاحظه میشود که جنبش مسلحانه پیشناز بلافاصله در اولین گامهایش به آتی ترین و ملموس ترین گرایشات روشنفکران (هدفهای دموکراتیک مبارزه مسلحانه، پیشناز) و منافع و نظرات سیاسی جناح چپ خرد بورژوازی سنتی (شکل قهرآمیز مبارزه علیه رژیم حاکم) نزدیک میشود. و متقابلا این دو قشر نیز حمایت و وابستگی فعال خود را بدجنبش مسلحانه اعلام داشته و به اولین ذخائر تغذیه جنبش تبدیل میشوند.

"اما مسلما هدفهای جنبش مسلحانه، پیشناز به جلب و پشتیبانی و همکاری این اقشار که بخش بسیار کوچکی از نیروها "خلق را تشکیل میدهند، خاتمه نمیباید. خصوصا که حمایت و همکاری این نیروها و ارتباطشان با جنبش مسلحانه بنا به "دلائلی که به ماهیت متزلزل طبقاتی آنها و به استنباطات غیرپرولتاری آنها از مبارزه مسلحانه بر میگردد، همواره مشروط "و ضربه پذیر است. در واقع غیر از آن عناصر بسیار معدودی از این قبیل روشنفکران (و عناصر بسیار بسیار معدود تری از عناصر "خرد بورژوازی) که میتوانند بهند های طبقاتی را پاره کرده و بتامه در هدفهای اساسی سوسیالیستی جنبش مسلحانه حل شوند، بقیه آنها که اکثریت عظیمی را تشکیل میدهند، تنها در حد درخواستهای دموکراتیک ویا منافع محدود طبقاتی "خویش پیش خواهند آمد (ولا جرم فشارهای مبارزه انقلابی را نه تا حد یک مبارزه پرولتاری، بلکه تا حد همین درخواستها و "منافع تحمل خواهند کرد). بدین ترتیب، به مرور و با افزایش و تشدید قهر ضد انقلابی دشمن، یا این نیروها صفوف جنبش را ترک خواهند کرد و یا آنرا وادار به ورود در بن بست از تمایلات محدود و انحرافی خود خواهند نمود.

"نتیجه آنکه: سازمانهای مسلح پیشناز (یا سازمان جنبش) باید اساسیترین تکیه گاههایش را نه بر احساسات "جریحه دار شده روشنفکران از دیکتاتوری موجود، نه بر عصیان خشم آلود خرد بورژوازی چپ در مقابل هجوم نابود کننده "بورژوازی حاکم، بلکه باید بردوش توده تحت مستم و طبقات زحمتکش قرار دهد که رژیم هیچ گونه امکانی برای سازش با آنها "و جد اکرد نشان از جنبش انقلابی - ندارد. این طبقات با آنکه از آگاهی بسیار کمتری نسبت به طبقات متوسط برخوردارند، اما بمجرد آنکه تئوری انقلابی بمیان آنها رسوخ کند و بمحض اینکه منافع اساسی خویش را در هدفهای "سیاسی جنبش انقلابی درك نمایند، تبدیل به چنان دژهای عظیم تسخیر ناشدنی از نیروهای انقلابی خواهند شد که پیروزی بازگشت ناپذیر انقلاب را تضمین خواهند ساخت." (نقل از "بیانیه... - صفحه ۳۳/۳۴).

این نتیجه گیری عمیق از حرکت جنبش نوین انقلابی و از وظائف جنبش مارکسیستی لنینیستی و بویژه سازمانهای مسلح آن و این ارزیابی از ضرورت پیوند سیاسی و تشکیلاتی با زحمتکشان و روی آوردن آگاهانه و استوار بسوی جنبش خود - بخودی طبقه کارگر و مبارزه خلل ناپذیر و غیرقابل شکست پرولتاریا، بویژه در لحظات کنونی، در شرائط رشد مبارزات و اعتصابات کارگری، در شرائط بیداری روزافزون توده های کارگر، پیش از پیش اهمیت می یابد. در چنین شرائطی، وجود سازمانهای آگاه و مبارزان مصمم و ثابت قدمی که با درک ضرورت تلفیق مارکسیسم با جنبش کارگری، با درک ضرورت میزبانی عناصر آگاه با مبارزه طبقه کارگر، با سلاح تئوری انقلابی و با پرچم مارکسیسم لنینیسم بسوی کارگران و بسوی مبارزات خود بخودی طبقه کارگر گام برمیدارند، امکانات و دورنمای گسترده های را در برابر جنبش انقلابی و مارکسیستی میهن ما می گشاید. بدین ترتیب، جنبش نوین کمونیستی و انقلابی ایران میتواند با گامهای بلندی از حصار مستحکمی که از یکسوسیسم گمراه کننده یافته، پلیسی و از سوی دیگر ضعف جنبش میان عناصر پیشرو و توده های زحمتکش ایجاد کرده - بود، عبور کند و علیرغم شرائط دشوار مبارزه سیاسی و محدودیت امکانات ارتباط با توده ها و سازماندهی پرولتاریا، بتدریج راه پیمائی بزرگ خود را آغاز نماید. بدین ترتیب، هرگامی در این راه، در عین حال گامیست در راه طرد انحرافات، در راه زدودن تاثیرات ایدئولوژی های غیرپروлетری و در راه تحکیم و اعتدای جنبش: "استحکام ایدئولوژیکی هسته های رزمنده، روشنفکری، تصحیح مواضع و استنتاجات ناصحیح و غلبه بر انحرافات، ضعف ها و ناتوانی ها تنها میتواند طی شرکت طولانی در پراتیک مستقیم پرولتاریا و خلق و در جریان پیوند استوار سازمانی و سیاسی با نیروها و حاملین اصلی انقلاب تحقق یابد." (مسائل انقلاب و سوسیالیسم - ارگان گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" - شماره ۱).

یکی دیگر از دستاوردهای عمده سازمان مجاهدین خلق ایران در جریان مبارزه ایدئولوژیک و تحول اخیر، مرزبندی روشن و قاطع با رویزیونیسم جهانی بمثابه یک جریان ضد انقلابیست، مرزبندی عمیقی که به بیان تئوریک مشخصات رویزیونیسم معاصر محدود نبوده، بلکه به بررسی "منشأ اجتماعی و تاریخی"، "پروژه پیدایش و رشد"، "پایگاه اجتماعی" و نتایج عملی آن هم بطور عام و هم بطور مشخص، در ارتباط با رویزیونیسم خروشی و سیاست سوسیال امپریالیسم شوروی در صحنه جهانی، و سیاست و منشی "سازشکارانه، تسلیم طلبانه و کودتاگرانه" نمایندگان و مبلغین ایرانی آن یعنی در اورد سته خائن کمینه مرکزی حزب توده در جنبش انقلابی میهن ما، بسطی می یابد.

این واقعیت که امروز در میدان نبرد انقلابی میهن ما، از درون جنبش نوین کمونیستی ایران، بار دیگر رزمندگانانی برمی خیزند که روشن تر از همیشه در برابر رویزیونیسم وطنی و جهانی، در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی قد علم میکنند، نه تنها نشانه همدستی، درستی این حکم دایمانه لنینی است که مبارزه علیه امپریالیسم، بدویم مبارزه علیه اپورتونیسم، بدوین مبارزه علیه رویزیونیسم سخن پوچی بیش نیست، بلکه همچنین مبین این حقیقت است که هر قدم واقعی و رشد - یابنده ای که جنبش کمونیستی ما به پیش برمیدارد، نمی تواند با مرزبندی صریح و مبارزه قاطع علیه رویزیونیسم در صحنه جهانی و در عرصه ملی همراه نباشد. در واقع، برای مارکسیست لنینیست های واقعی مبارزه علیه رویزیونیسم یک موضعگیری ساده نبوده بلکه یک ضرورت حیاتی جنبش را تشکیل میدهد. در شرائط تعرض ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی رویزیونیسم جهانی و سوسیال امپریالیسم شوروی، هیچ جنبش انقلابی نمیتواند بدون حفظ هشجاری انقلابی، بدون شناخت هدفها و مقاصد واقعی این جبهه ضد انقلاب ایدئولوژیک، خلل ناپذیری و استحکام انقلابی خود را تضمین کند. هیچ جنبش مارکسیستی نمیتواند بقاء و دوام خود را تضمین نماید مگر اینکه در پروژه آموزش و عمل انقلابی، در جریان مبارزه طبقه کارگر، همواره و بطور وقفه ناپذیری گرایش های التقاطی و انحرافی غیرمارکسیستی و ضد مارکسیستی و قبل از همه رویزیونیسم را از کلیه صحنه های حیات و فعالیت سیاسی، ایدئولوژیکی، تشکیلاتی و عملی خود بزداید و خود را از گزند دستبرد و تعرض آن مصون نگاهدارد. این ضرورت بویژه از اینجا ناشی میشود که رویزیونیسم جهانی به سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی به سازش و رقابت با امپریالیسم آمریکا بر سر تقسیم مجدد جهان بمناطق نفوذ اکتفا نکرده، بلکه تلاش دارد بطرق مختلف و بویژه از طریق سیاسی و ایدئولوژیک بدرون جنبش های آزاد بیخش و جنبش های انقلابی جهان رخنه کرده و بآبهربردار از نارسائی ها، ضعف ها و مشکلات مرحله ای این جنبش ها، آنها را از نظر سیاسی / ایدئولوژیک منحرف ساخته، تحت نفوذ و سیطره خود درآورده و حتی وجهه معامله سازش با سایر قدرتهای امپریالیستی قرار داده اند. در چنین شرائطی، انقلابیون راستین و مارکسیست لنینیست های واقعی نمیتوانند به مقابله جدی و پایدار در برابر این خطر عظیمی که همواره جنبش را تهدید میکند برخیزند. هرگونه کم بهادان به این خطر حتی اگر با سخت ترین، خشن ترین و پرتیرترین مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم همراه باشد، در تحلیل نهائی بمنزله بازگذاشتن درهائی است برای رخنه و نفوذ رویزیونیسم، برای هجوم ضد انقلاب، برای درغلتیدن جنبش انقلابی به ورطه سازش و ارتداد.

بر این اساس، هشیاری و مواضع روشن و قاطع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر رویزیونیسم و تحلیل از این پدیده "بمثابه" انحرافی.... بسمت تفکر و منافع سرمایه داری " و از سرنجام تئوریهای تسلیم طلبانه "رویزیونیست های شوروی و تبلور آن " در بازگشت به نوعی از مناسبات سرمایه داری در داخل جامعه شوروی " و " در اتخاذ نوعی سیاست امپریالیستی " و بالاخره این آگاهی عمیق و ارزیابی روشن که "رویزیونیست ها بدترین دشمنان توده ها هستند، چرا که خود را در لباس دوست می آرایند"، تضمینی واقعی در برابر رخنه و نفوذ این خطر و در تحکیم مبانی ایدئولوژیک سازمان است.

بدون تردید، تحول در سازمان مجاهدین خلق ایران و دستاوردهای آن برانگیزنده شور و شوق عمیق در میان کلیه مارکسیست لنینیست های واقعی و مبارزان آگاه میهن ماست. اما شك نیست که وظیفه و تعهد مارکسیست لنینیست ها در قبال این تحول بزرگ نمیتواند تنها به بیان هیجان و اشتیاق انقلابی آنان، به تهنیت و ستایش این درگونی و یا حتی بیش از آن به شمارش دستاوردها و نشان دادن اهمیت تاریخی واقعی این رخداد محدود گردد. در اینصورت چنین تجلیل و ستایشی، چنین شور و شوقی چیزی جز عبارت پردازیهای انقلابی و بیان و ارضاء احساسات آنی و گذراندن خواهد بود. این شور و هیجان باید نه در تظاهر و بیان ساده آن بلکه در میدان مبارزه و در پراتیک انقلابی تجلی یابد. بررسی تحول سازمان مجاهدین خلق باید بمنظور آموزش عمیق از آن، بمنظور روشن ساختن وظائف و تسریع حرکتی انجام گیرد که سازمان مجاهدین خلق با مبارزه های پرشور و با انرژی انقلابی خستگی ناپذیری، مصممانه در راه آن گام نهاداست. همراهی سازمانها و گروه های مارکسیستی و انقلابی درون کشور با حرکت سازمان مجاهدین خلق و پاسخ مثبت آنان به دعوت و راه گشائی آن، گام بزرگی در راه سنگینی صحیح جنبش، در راه بسط همه جانبه مبارزه، در راه رشد مبارزه ایدئولوژیک فعال، در راه تجمع گردانهای پراکنده انقلاب و پاسخ به نیازهای جنبش و به مطالبات واقعی مبارزه است.

طرح "جبهه" واحد توده ای " از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، بمثابه یک امکان تمرکز نیروهای پراکنده جنبش، در شرائطی که تمرکز بیش از پیش نیروهای دشمن و قدرت متشکلی، هماهنگی نیروهای انقلابی، غلبه بر خرد کاری و پراکندگی سازمانی را هرچه بیشتر ضروری میسازد، در شرائطی که همه نیروهای مارکسیستی و انقلابی ایران از لزوم جمع و تمرکز ساختن نیروهای پراکنده جنبش سخن می رانند ولی تصور روشنی از چگونگی و آغاز آن ندارند و یا با ارائه نقطه نظرهای نادرست، با مطلق کردن این یا آن جنبه و با گرایشات سکتاریستی بجای چاره اندیشی های موثر، عملاً بر ابهامات و سردرگمی های می افزایند، میتواند بعنوان یک راه یابی مشخص پایه بحث مارکسیست لنینیست ها و نیروهای انقلابی ایران قرار گیرد و در روند کوشش مشترک و بموازات برداشتن گامهای عملی که بی شک باید با مبارزه ایدئولوژیک سالم و خلاق همراه باشد، مشخص و دقیق تر گردد.

مارکسیست لنینیست های ایرانی در خارج از کشور که بخاطر دوری از صحنه اصلی پیکار انقلابی و داشتن نقش ثانوی در مجموع مبارزه خلق، وظائف مارکسیستی خود را بطور عمده از طریق: کمک همه جانبه به جنبش مارکسیستی درون کشور و خدمت در راه نیازمندیهای آن و ترویج مارکسیسم و شرکت فعال در مبارزات ایدئولوژیک و در طرح و بحث مسائل نظری جنبش، انجام میدهند، باید - بعنوان وظائف مارکسیستی خود - با تمام وسائل و امکانات به پشتیبانی و حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران برخاسته و به سهم خود در دفاع از دستاوردهای آن - که دستاورد کل جنبش کمونیستی ایران است - و در حفظ و تعمیق این دستاوردها بکوشند و این بویژه در شرائط کنونی که سازمان بیش از هر زمان آماج یورش همه جانبه رژیم دست نشانده شاه است، در شرائطی که عده ای بخاطر جریحه دار شدن تمایلات و احساسات خرد بورژوازی خود و یا در معرض مخاطره دیدن منافع گروهی خویش مستقیم و غیرمستقیم در تلاش تضعیف آنند، در شرائطی که پارهای از عناصر عقب مانده مذهبی بجای وفاداری به سنن انقلابی اسلام و تکیه بر روی زمینه های مشترک مبارزه انقلابی، کینه توزی علیه سازمان مجاهدین خلق را هدف خویش ساخته اند، اهمیت خاصی می یابد و نادیده گرفتن آن بمثابه نادیده گرفتن وظائف مارکسیستی و نادیده گرفتن مسئولیت عاجلیست که امروز در برابر ما قرار دارد.

گروه "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر"

فوریه ۱۹۷۶ - بهمن ماه ۱۳۵۴